



The Role of Economic Factors Affecting the Increase of Integration between Iranian Ethnic Groups

Farzaneh Dashti *

E-mail: f.dashti.pol@iauctb.ac.ir

Hadis Bagherinia **

E-mail: hadis.bagherinia@alumni.um.ac.ir

Received: 2023/12/02

Revised: 2024/03/10

Accepted: 2024/03/16

Doi: 10.22034/RJNSQ.2024.428395.1536

Abstract:

The governing principles of identity politics in Iran should lead to the strengthening of national commonalities and efforts to bring ethnicities closer together. Therefore, the important thing that exists is that the more the axes and principles agreed upon by the collective are promoted, the more harmony, empathy and convergence will be achieved. Therefore, the aim of the current research is to investigate the role of economic factors in increasing the convergence of Iranian ethnic groups. Therefore, the following article seeks to answer the main question, "What is the role of economic factors in increasing the convergence of Iranian ethnic groups?" In this regard, the research implementation method is a survey method and questionnaire data collection tool. The statistical population of the research was 214 people. In this study, the sample size was 66 people using Cochran's formula and 0.1 error. The data were analyzed with one-sample t-tests, Friedman's test and SPSS software. The findings indicate that all economic components have an effective role on the convergence of Iranian ethnic groups.

Keywords: Globalization, Integration, Ethnic Groups, Islamic Republic of Iran, identity Politics.

* Ph.D. in Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

** Ph.D. Student of Political Sociology, Political Studies of the Islamic Revolution, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

نقش عوامل اقتصادی مؤثر بر افزایش همگرایی اقوام ایرانی

نوع مقاله: پژوهشی

فرزانه دشتی*

E-mail: f.dashti.pol@iauctb.ac.ir

حدیث باقری‌نیا**

E-mail: hadis.bagherinia@alumni.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

چکیده

اصول حاکم بر سیاست هویتی در ایران می‌بایست به تقویت مشترکات ملی و کوشش برای نزدیک شدن قومیت‌ها منتهی شود. بدین‌رو، امر مهمی که وجود دارد این است که هرچه محورها و اصول مورد توافق جمعی ارتقا پیدا کنند، هماهنگی، همدلی و همگرایی زیادی حاصل خواهد شد؛ بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش عوامل اقتصادی مؤثر در افزایش همگرایی اقوام ایرانی است. از این‌رو، نوشتار پیش‌رو درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که «نقش عوامل اقتصادی مؤثر در افزایش همگرایی اقوام ایرانی چیست؟» در این راستا، روش اجرای تحقیق به شیوه پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش ۲۱۴ نفر است. در این پژوهش، حجم نمونه با بهره‌گیری از فرمول کوکران و خطای ۰/۱، ۶۶ نفر مشخص شد. داده‌ها با آزمون‌های t تک نمونه و آزمون فریدمن و نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از این است که تمامی مؤلفه‌های اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی نقش مؤثری دارند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، همگرایی، اقوام، جمهوری اسلامی ایران، سیاست هویتی.

* دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه و طرح مسئله

کشور ایران دارای خرده فرهنگ‌هایی است که در آن اقوام مختلف با فرهنگ و زبان‌های گوناگون زندگی می‌کنند. خرده فرهنگ بودن ضمن فراهم نمودن فرصت برای ایران، بعضاً خطر تجزیه و واگرایی سرزمینی را نیز برای حاکمیت به همراه داشته است. در حاشیه قرار گرفتن اقوام، ضمن افزایش گریز از مرکز، امکان تبادل با کشورهای همسایه و دشمنان بیرونی را فراهم می‌کند و این موضوع در شکاف قومیتی همیشه مورد سوءاستفاده قدرت‌های خارجی قرار گرفته است (صدقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۲۳). «درواقع، ایران به‌عنوان کشوری که دارای خرده فرهنگ‌های مختلف است و با سابقه تمدنی بی‌نظیر، همواره در گستره فرهنگی خود با تعدد خرده فرهنگ‌های مختلف مواجه بوده است. هویت ملی، وحدت ملی، همگرایی و واگرایی بین اقوام از موضوعات مهمی هستند که حکومت‌ها در کشورهایی که دارای اقوام هستند با آن مواجه‌اند. موقعیت سیاسی کم‌نظیر ایران در این است که پاره فرهنگ‌های آن، در حاشیه کشور قرار دارند و با اقوام متناظر خود در سیستم‌های پیرامونی مرزها، مجاورت دارند. به‌ویژه آنکه بین برخی از آن اقوام با کشورهای متبوعشان چالش‌هایی وجود دارد. این موضوع بالأخص از حیث تحولات اخیر در گفتمان‌های بین المللی مبنی بر انتقال از تأکید بر حق حاکمیت دولت‌ها در دوره پس از جنگ جهانی و توجه به حقوق بشر و از جمله حقوق قومیت‌ها در سال‌های اخیر برای ایران به لحاظ راهبرد امنیت ملی از اهمیت بسزایی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است» (احمدی و الوند، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

بنابراین، می‌توان گفت که همواره همدلی، همبستگی، انسجام ملی و تداوم ثبات در جوامع مختلف از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی بوده است؛ از این‌رو، در کشور ایران که با اقوام مختلفی روبه‌رو است، این مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار است. بدین اساس، شناخت نسبت به بسترها و مؤلفه‌های مؤثر اقتصادی بر همگرایی در ایران دارای اهمیت علمی، ملی و کاربردی شده و مقوم انسجام و وحدت ملی و گامی اساسی و نهادینه در راه موفقیت اهداف نظام اجتماعی و سیاسی است؛ لذا هدف پژوهش حاضر بررسی نقش عوامل اقتصادی مؤثر در افزایش همگرایی اقوام ایرانی است؛ از این‌رو، نوشتار پیش‌رو درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که «نقش عوامل اقتصادی مؤثر در افزایش همگرایی اقوام ایرانی چیست؟» در این راستا، روش اجرای تحقیق به شیوه پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است.

پیشینه تحقیق

باقری‌نیا و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی الزامات سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عصر جهانی‌شدن» بر این باورند که هدف الزامات مطلوب در سیاست‌گذاری قومی با تأکید بر عصر جهانی‌شدن است. در این راستا، پژوهش پیش‌رو درصدد پاسخ به این پرسش است که «الزامات سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به عصر جهانی‌شدن کدام‌اند؟» در پژوهش حاضر، از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده و شیوه گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای بوده است. فرضیه پژوهش این است که جمهوری اسلامی می‌تواند با در پیش گرفتن الگوی تکثرگرای وحدت‌گرا بر پایه‌ی ایرانیت - اسلامیت به‌عنوان مؤلفه‌ی اصلی توسعه همه‌جانبه و متوازن، به‌مثابه مدل مناسبی برای سیاست‌های قومی در ایران باشد. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از این است که می‌توان از عناصری همچون به‌کارگیری نخبگان قومی در مشاغل و مناصب بومی، تثبیت الگوی شهروندی به‌عنوان مبنای سیاست، تکثرگرایی فرهنگی، راه‌حل‌های اقتصادی به‌عنوان الزامات سیاست‌گذاری قومی در ایران با توجه به مسئله جهانی‌شدن نام برد.

نتایج پژوهش باقری و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان «الگوسازی ساختاری عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بر همگرایی بین‌قومی در شهر اهواز» نشان می‌دهد که متغیر سرمایه فرهنگی بیشترین تأثیر را بر متغیر همگرایی بین‌قومی متغیر دارد. مطلبی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل اثرگذاری سیاست‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران بر فرایند همگرایی اقوام استان گلستان»، روش توصیفی - پیمایشی را به‌کار برده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که سیاست‌های قومی نظام جمهوری اسلامی ایران منجر به افزایش همکاری در فعالیتهای اقتصادی، افزایش تعاملات و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین اقوام استان گلستان شده است. صدقی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش «واکاوی راهبردی مسئله واگرایی قومی در ایران؛ محوریت نسبی عامل واگرایی قومی» تلاش دارند با محوریت این پرسش که «عامل اصلی واگرایی قومی در ایران امروز چیست و راهبرد عبور از آن کدام است؟» به بررسی مسئله قومیت در ایران بپردازند. بهترین مبنا برای رفع احساس تبعیض در اقوام، اقتدار ملی همراه با توسعه است.

جوکار و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت واگرایی و همگرایی اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور (مناطق کردنشین و بلوچ‌نشین)»، از



روش تحلیلی - توصیفی و ترکیبی از روش اسنادی و پیمایشی و نرم افزار SPSS و همچنین، از روش تحلیل SWOT استفاده کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که قوم کرد واگرایی بیشتری نسبت به قوم بلوچ دارند و در مجموع، میزان همگرایی این دو قوم با حکومت مرکزی ضعیف است.

دشتی و عیوضی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر در ارتقای همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی شدن»، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، پس از انجام مطالعات نظری تلاش داشته‌اند عوامل مرتبط و مؤثر بر سطح ارتقای همگرایی اقوام در سه مؤلفه سیاسی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی را شناسایی کنند و در ادامه، با مشاوره با برخی افراد خبره و صاحب نظر مرتبط با موضوع و اخذ نظرات ایشان، پرسشنامه‌ای جهت اخذ نظرات جامعه آماری تنظیم کنند. نتایج تحقیق نشان داد که تمامی مؤلفه‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی مؤثرند. همچنین، مؤلفه سیاسی و امنیتی بیشترین تأثیر را در همگرایی اقوام ایرانی دارد.

در دیگر پژوهش‌ها که بعضاً قدیمی هستند، به صورت پراکنده به عوامل و متغیرهای مؤثر بر همگرایی و واگرایی اقوام اشاره شده است (عسگری و همکاران، ۱۳۹۹؛ امراه‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۶؛ جلیلود، ۱۳۸۸: ۲۷۵؛ جهانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳؛ جعفری، ۱۳۹۸: ۲۵)؛ اما در پژوهش پیش‌رو، سعی شده است برخی از نقص‌ها و کاستی‌های موجود در تحلیل‌های پیشین رفع شود.

تعاریف مفاهیم

۱- قومیت

«مفهوم قومیت به ویژگی‌های فرهنگی‌ای اشاره دارد که ممکن است از یک نسل، از طریق فرایند جامعه‌پذیری، به نسل بعد منتقل شده باشد. این ویژگی‌ها ممکن است زبان، مذهب، عادات غذایی، مفهوم مشترکی از میراث تاریخی و سایر ویژگی‌های بارز فرهنگی را شامل شود» (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۴۵)؛ در واقع، از نظر جامعه‌شناسی، «یک گروه قومی عبارت از مردمی است با ویژگی‌های خاص دینی، نژادی، جغرافیایی و با عادات و رسوم مخصوص که در داخل یک مجموعه اجتماعی - فرهنگی گسترده جای یافته است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳۳). مفهوم قومیت، مفهوم ساده و بی‌مناقشه‌ای نیست و غالباً وجه تمایز آن از ملیت به لحاظ جامعه‌شناختی چندان روشن نیست. قومیت نوعی دیدگاه درونی است که اهمیتش برای فرد در زمان برقراری تعامل با دیگران آشکار می‌شود. در مواردی که فرد احساس می‌کند، قومیت او در یک موقعیت اجتماعی

کارساز است و منافی را برای او تسهیل می‌کند، هویت قومی خود را آشکار می‌کند و در جایی که آن را مانعی در راه منافع خود بداند، آن را نهفته می‌گذارد. جامعه‌شناسان حتی گاه در چنین مضامینی از مفهوم قومیت نمادین سخن می‌گویند (عبداله، ۱۳۹۵: ۴۳).

۲- هویت ملی

آنتونی اسمیت هویت ملی را به معنای بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوها و ارزش‌ها، نمادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی می‌داند که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، در نظر او هویت ملی نوعی احساس تعلق فرهنگ‌محور، تمایزآفرین و تداوم‌بخش به یک ملت است که دولت و گفتمان‌های مسلط با بهره‌برداری از منابع معین آن را به وجود آورده و حفظ و تعریف می‌کنند. اسمیت تأکید می‌کند که هسته اصلی هویت ملی تداوم و تمایز است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰). دیوید میلر معتقد است وقتی درباره هویت ملی صحبت می‌کنیم، نخست باید تصور روشنی در مورد اینکه ملت‌ها چه هستند داشته باشیم؛ زیرا هویت ملی نوعی هویت جمعی در سطح یک گروه‌بندی اجتماعی بزرگ به نام ملت است (میلر، ۱۳۸۳: ۳۰). از نظر تامپسون، مفهوم اساسی در هویت ملی، احساس تعلق به یک ملت است؛ در واقع، مردم همواره می‌خواهند بخشی از ملت خودشان باشند و بدان وسیله شناسایی شوند. به نظر وی، ملت اجتماعی از افراد است که اعضای آن به وسیله اشتراکات تاریخی در سرزمین و فرهنگ و با آگاهی از تفاوت خود با دیگر ملت‌ها کنار هم آمده‌اند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۶). نگرش دیگری نیز وجود دارد که هویت باور عام و هویت ملی‌باور را یک برساخته و محصول تصویرسازی‌های هدفمند گروه‌ها برای تعیین یا ارتقای جایگاهشان در ارتباط با دیگر هویت‌ها می‌داند (اندرسن، ۱۳۹۵: ۶۴؛ جیمز، ۱۹۹۱: ۳۷).

۳- همگرایی ملی

انسجام ملی عبارت است از «احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع و آن مای بزرگی که به افراد هویت جمعی می‌دهد و ناظر بر انسجام درونی یک جامعه است» (غریایق زندی، ۱۳۸۲: ۱۷۱).

چهار چوب نظری

پژوهش حاضر با رویکردی آینده‌پژوهانه سعی در ارائه راهکارهایی برای بهره‌برداری مطلوب‌تر از فرصت تنوع قومی به سبب ارتقای همگرایی ملی در جمهوری اسلامی ایران دارد. این موضوع ناظر بر شناسایی عوامل مؤثر با تمرکز بر عوامل اقتصادی در مسئله



واگرایی یا تسریع روند همگرا و هم‌افزای اقوام ایرانی است. «در رابطه با گرایش‌های قومی و سیاسی شدن آن نمی‌توان با نظریه‌ای واحد همه مسائل قومی را در تمامی کشورها تشریح نمود. با توجه به اینکه تأکید پژوهش پیش‌رو بر عوامل و شاخص‌های مؤثر اقتصادی در همگرایی قومی در ایران است، برخی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که از دیدگاه اقتصادی برای تبیین این موضوع ارائه شده‌اند عبارت‌اند از:

«نظریه اسکات و دیویس در حوزه مدیریتی اقوام: اسکات و دیویس عوامل گوناگونی را مانع دستیابی به اجماع و اتفاق نظر عمومی می‌دانند؛ اما از نظر آن‌ها، شیوع تبعیض و نابرابری یکی از مخرب‌ترین و مهم‌ترین عوامل است» (اسکات و دیویس، ۲۰۰۷: ۱۰۱؛ به نقل از سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

«نظریه محرومیت نسبی رابرت تدگر: به نظر رابرت تدگر، «محرومیت نسبی به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلاف میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود» (کوهن، ۱۳۸۱: ۲۷۲ به نقل از لهسانی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۱). «این تئوری کاربرد وسیعی برای تبیین منشأ بحران‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و مذهبی دارد و مبنای این تئوری وجود شرایط نابرابر میان اجزای یک اجتماع است که زمینه‌ساز پیدایش محرومیت نسبی یا احساس آن می‌شود» (گر، ۱۳۸۰ به نقل از ترابی، ۱۳۸۹: ۶). «محرومیت نسبی بر دو نوع است: ۱- محرومیت درون‌زا: محرومیتی است که ناشی از ضعف و ناتوانی خود فرد یا گروه باشد؛ ۲- محرومیت برون‌زا: محرومیتی است که ناشی از عملکرد و سازوکارهای خارجی و فارغ از ویژگی‌های فرد و یا گروه باشد» (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۵). به نظر وی، «اساساً هویت قومی زمانی اهمیت می‌یابد که با افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقاتشان به آن گروه، رفتاری تبعیض‌آمیز در مقایسه با گروه‌های دیگر صورت می‌پذیرد؛ یعنی یک گروه قومی، به دلیل قومیت خود در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار بگیرند» (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

«نظریه ایسمن: براساس این نظریه، بوروکراسی سیاسی - اجتماعی و اداری تنظیم‌شده از سوی دولتمردان اگر به همه گروه‌های قومی اقلیت اجازه تحرک عمودی در عرصه‌ی سیاسی - اداری و شرکت در مناسبات اداری و سیاسی در سطح مدیریت کشوری را بدهد، گرایش به قوم‌مداری و خاص‌گرایی کاهش یافته و به میزان همگرایی اقوام افزوده می‌شود» (قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۵).

«همچنین، تأکید بر ساختارهای اجتماعی و توسعه اقتصادی به‌عنوان متغیرهای تبیینی که علاوه بر هشت، در آثار والرش‌تاین نیز منعکس است؛ رقابت بر سر منابع که در

آثار ناتان گلیرز و دانیل موینیان، فردریک بارت و سوزان اولزاک به آن اشاره شده است و سرانجام، نظریه انتخاب حسابگرانه که در آثار جدیدتر مایکل هشتر و مایکل بانتون بر آن تأکید شده است» (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۴؛ جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵). در چهارچوب نظریات بومی منتشرشده پیرامون تعامل بین قومی و همگرایی، کمتر به عوامل اقتصادی توجه شده است؛ لذا از آنجاکه دیدگاه نظریه پردازان بومی با اوضاع خاص تاریخی اقوام ایرانی قرابت منطقی تری دارند، بهتر می توان مسائل داخلی کشور را با استفاده از آن ها تبیین علمی نمود. همچنین، هر کدام از این نظریه ها ناظر به تبیین برخی از جنبه های همگرایی و واگرایی قومی هستند. در پژوهش حاضر، با توجه به یک چهارچوب ترکیبی و با عنایت به متغیرهای مختلف در مؤلفه اقتصادی در دو بعد داخلی و خارجی، به تحقیق پرداخته ایم؛ زیرا این امر جز با تأکید بر متغیرهای متعدد در مؤلفه های تأثیرگذار و مهم نظریه های بالا امکان پذیر نیست.

عوامل تأثیرگذار در همگرایی اقوام

- (الف) **عامل نژاد:** در گذشته، این عامل در بین اقوام بدوی و همچنین، در قرون وسطی و شاید تا همین اواخر، به اعتقاد فیلسوفان و نظریه پردازان اجتماعی، جزء عوامل اصلی همبستگی و هویت ملی به شمار می آمد؛ ولی در حال حاضر، با گسترش ارتباطات و اختلاط زیادی که در بین ملل جهان صورت پذیرفته، اندکی اهمیت خود را از دست داده است.
- (ب) **زبان و فرهنگ:** اصولاً زبان هر ملتی از ارکان اصلی فرهنگ و بیان کننده فرهنگ هر ملت محسوب می گردد. فرهنگ غالباً با تکیه بر زبان، شخصیت و هویت فرهنگی یک ملت را تشکیل می دهد. اگر مردم فرانسه «فرانسوی» خوانده می شوند، نه تنها به سبب زبان، بلکه به علت فرهنگ که عامل اساسی تشکیل دهنده هویت ملی آن ها است، فرانسوی خوانده می شوند.
- (ج) **آداب و رسوم و سنن اجتماعی:** سنن اجتماعی و رسوم هر ملت، علاوه بر انعکاس و فرایند کارکرد هر ملت، عمده ترین عنصر تشخیص دهنده هویت ملی ملت هر سرزمین است.
- (د) **دین و مذهب:** «در بسیاری از کشورها، عامل دین و مذهب علاوه بر تشخیص هویت فرهنگی و دینی آن کشور، جزء عوامل شناسایی آن کشور در سطح دنیا به عنوان عامل مهم همبستگی ملی به شمار می آید.
- (ه) **سرزمین مشترک:** اجتماع افراد در یک سرزمین مشترک عامل اصلی همبستگی یک ملت است. مردمی که در یک سرزمین مشترک زندگی می کنند خواه ناخواه با



یکدیگر همبستگی زبانی و فرهنگی پیدا می‌کنند. هانس کوهن، جامعه‌شناس و سیاستمدار ملی‌گرای امریکایی در این باره می‌گوید: «سرحدات سیاسی باعث به وجود آمدن ملت‌ها می‌شود». مثلاً ملت کانادا که از ترکیب دو ملت کاملاً متمایز به وجود آمده است حاصل وحدت سیاسی و جغرافیایی کشور کانادا است».

(و) عامل اقتصادی: «از جمله عوامل ایجاد همبستگی ملی، عامل اقتصادی است؛ به گونه‌ای که نقش این عامل پررنگ‌تر از سایر عوامل است؛ زیرا در بسیاری از موارد مشاهده شده است که افراد از جهات گوناگون مثل زبان، فرهنگ، نژاد و مذهب از یکدیگر متفاوت بودند، ولی از نظر اقتصادی، دارای هدفی مشترک و بر اثر همکاری برای نیل به این هدف، به تدریج در همدیگر ممزوج و بانی یک کشور مستقل گردیده‌اند. بهترین مثال برای چنین وضعی، کشور سوئیس است که ملت آن با وجود اختلافات فاحشی که از نظر زبان، نژاد و مذهب با یکدیگر دارند، از ابتدا و در نتیجه همبستگی که بر اثر تجارت با مناطق ماورای آلپ در ایتالیا بین آن‌ها ایجاد شده بود، خود را متعلق به یکدیگر دانسته و ملت متشکل فدراسیون سوئیس را تشکیل داده‌اند» (یوردشاهیان، ۱۳۸۰: ۱۶ به نقل از اخوان مفرد و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰۴؛ احمدی و الوند، ۱۳۹۱: ۱۷۲؛ عزیزی، ۱۳۹۹: ۷).

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر جهت‌گیری و بر مبنای اهداف، کاربردی و اکتشافی است. ماهیت پژوهش نیز کمی است. این پژوهش بر اساس چگونگی به دست آوردن داده‌های مورد نیاز و از جهت روش انجام آن، در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی است. همچنین، روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، روش مطالعات میدانی (پیمایشی) است.

در طراحی پرسشنامه نیز با بهره‌گیری از مطالعات نظری و با استفاده از نظر صاحب نظران و عوامل بالقوه مرتبط با موضوع، پرسشنامه مقدماتی با ۹۶ سؤال بازتنظیم و طراحی و در جامعه آماری مدنظر توزیع گردید و پس از تعیین روایی و پایایی آن، پرسشنامه نهایی با ۸۱ سؤال تهیه شد تا اساتید محترم ضمن مطالعه دقیق و علمی، نظر خویش را درباره میزان تأثیر عوامل در سه مؤلفه پیش‌بینی شده در یکی از گزینه‌های پنج‌گانه که بر اساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای طیف لیکرت طراحی شده است (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم و فاقد اهمیت) مشخص نمایند و لذا در قسمت اول پرسشنامه، فراوانی پاسخ‌های داده‌شده از سوی پاسخگویان به هر یک از این گزینه‌ها آورده شده است. قسمت دوم جدول نیز شامل درصد

فراوانی نسبی پاسخ‌های داده‌شده از سوی پاسخگویان به هر یک از این گزینه‌ها است و در قسمت سوم جدول، برحسب کدگذاری صورت گرفته است (به ترتیب، برای گزینه خیلی زیاد ارزش عددی ۹، برای گزینه زیاد ارزش عددی ۶، برای گزینه کم ارزش عددی ۳، برای گزینه خیلی کم ارزش عددی ۱ و برای گزینه فاقد اهمیت ارزش عددی صفر در نظر گرفته شده است). میانگین پاسخ‌های داده‌شده محاسبه و در جدول گنجانده شده است.

در تعیین روایی پرسشنامه، از روش اعتبار محتوا استفاده شد و به منظور تعیین پایایی آزمون، به کمک نرم‌افزار SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار آلفای کلی به دست آمده ۰/۶۷۸ است و نشان می‌دهد که پرسشنامه تحقیق از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر، از پایایی لازم برخوردار است. در ادامه، محققان پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها و استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش‌های آماری نسبت به شناسایی و تعیین عوامل مؤثر اقتصادی در ارتقای همگرایی اقوام ایرانی اقدام نموده‌اند.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری در این پژوهش به دو دسته تقسیم شده‌اند:

دسته اول: نخبگان و صاحب‌نظرانی که از نزدیک در صحنه‌های عملیاتی و میدانی در دستگاه‌های اجرایی مرتبط با مسائل هستند.

دسته دوم: خبرگان و نخبگان خارج از دستگاه‌ها از جمله اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های شهرهای تبریز، کرمانشاه، اهواز و زاهدان که شامل رؤسا و مدیران گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل هستند. از مجموع دسته اول و دوم، جمعاً تعداد ۲۱۴ نفر به عنوان جامعه آماری برگزیده شده که متشکل از مسئولان در دستگاه‌های مربوطه کشور هستند که مسائل قومی را به لحاظ عملیاتی درک کرده باشند. ضمناً این امر به اقتضای مسئله مورد مطالعه، کمی بودن و انجام آن به صورت خبرگی در تخمینی به کمک چند تن از صاحب‌نظران انجام گردید. پس از تعیین حدود جمعیت، حجم نمونه نیز در قالب معادله کوکران و با خطای ۰/۱، ۶۶ نفر است. ویژگی‌های خبرگان و صاحب‌نظران در جامعه آماری عبارت‌اند از: مدرک تحصیلی حداقل دانشجوی دکتری، تجربه کاری و مدیریتی و فعالیت‌های پژوهشی در حوزه مدنظر. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران به صورت زیر استفاده شده است:



$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$n = \frac{(1.96)^2 \times (0.5) \times (0.5)}{(0.1)^2} = 66$$

$$n = \frac{1}{1 + \frac{1}{214} \times \left(\frac{(1.96)^2 \times (0.5) \times (0.5)}{(0.1)^2} - 1 \right)}$$

N: جمع جامعه آماری است که در این تحقیق تعداد آنان ۲۱۴ نفر هستند.
Z: میزان اطمینان برآورد با در نظر گرفتن ضریب اطمینان ۹۵٪ این مقدار برابر با ۱/۹۶ است.

d: حداکثر خطای قابل قبول که در اینجا ۰/۱ فرض شده است.

p: نسبت موفقیت بین افراد نمونه است که عدد ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

q: نسبت عدم موفقیت در بین افراد نمونه است که عدد ۰/۵۰ در نظر گرفته شده است.
(1-p=q).

در ضمن، در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است.

جدول شماره ۱: حجم جامعه و نمونه تحقیق

حجم نمونه	حجم جامعه	طبقه
۴۳	۱۳۸	نمایندگان مجلس
۷	۲۴	اساتید دانشگاه
۱۱	۳۶	استاندارها
۵	۱۶	اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
۶۶	۲۱۴	جمع کل

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

جداولی که در پی می‌آیند، به تفکیک نشان‌دهنده‌ی نتایج ارزیابی شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر جهت ارتقای همگرایی اقوام در جمهوری اسلامی ایران در مؤلفه اقتصادی در نمونه مورد بررسی هستند.

بررسی تأثیر عوامل مؤلفه اقتصادی در همگرایی اقوام ایرانی

به منظور بررسی تأثیر عوامل مؤلفه اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی، میانگین ارزش عددی ۲۰ عامل مربوطه برای هر یک از پاسخگویان محاسبه و سپس از آزمون t

یک نمونه‌ای جهت آزمودن فرض زیر استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است.

$H_0: \mu \leq 4.5$ (عوامل مؤلفه اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی تأثیر ندارند).
 $H_1: \mu > 4.5$ (عوامل مؤلفه اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی تأثیر دارند).
 جدول ۲: نتایج آزمون‌های t یک نمونه‌ای مربوط به بررسی میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر

همگرایی اقوام ایرانی

ردیف	عوامل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	معیار میانگین خطای	مقدار آماره t	سطح معنی‌دار (Sig)
	مؤلفه اقتصادی	۶۶	۵/۳۴	۱/۴۷۹	۰/۱۸۲	۴/۶۲۳	۰/۰۰۰
۱	وجود ذخایر بالای انرژی و منابع طبیعی	۶۶	۵/۳۵	۳/۰۸۶	۰/۳۸۰	۲/۲۳۴	۰/۰۲۹
۲	وسعت سرزمینی و تنوع اقلیمی و جغرافیایی ایران	۶۶	۵/۱۴	۲/۵۴۷	۰/۳۱۴	۲/۰۳۰	۰/۰۴۷
۳	سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلان آن	۶۶	۶/۹۸	۲/۶۶۹	۰/۳۲۹	۷/۵۶۴	۰/۰۰۰
۴	تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تصویب قانون آن	۶۶	۵/۲۶	۲/۸۳۰	۰/۳۴۸	۲/۱۷۵	۰/۰۳۳
۵	فعال‌سازی سیاست‌های کلان اصل ۴۴ و تصویب قانون آن	۶۶	۵/۲۹	۳/۰۳۲	۰/۳۷۳	۲/۱۱۱	۰/۰۳۹
۶	تمرکز مراکز صنعتی و تولیدی و زیرساخت‌های عمده اقتصادی در برخی استان‌ها	۶۶	۵/۳۶	۲/۳۲۵	۰/۲۸۶	۳/۰۱۸	۰/۰۰۴
۷	عدم وجود ثبات اقتصادی و مهار شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، نرخ بهره‌وری پایین و...	۶۶	۵/۳۰	۳/۲۵۸	۰/۴۰۱	۲/۰۰۲	۰/۰۴۹
۸	توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های اقتصاد نوین و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور	۶۶	۵/۷۷	۳/۰۹۷	۰/۳۸۱	۳/۳۳۸	۰/۰۰۱
۹	عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری در کشور	۶۶	۵/۳۸	۲/۴۶۷	۰/۳۰۴	۲/۸۹۴	۰/۰۰۵
۱۰	سلطه و تصدی‌گری دولت بر	۶۶	۵/۵۸	۳/۱۰۴	۰/۳۸۲	۲/۸۱۶	۰/۰۰۶



ردیف	عوامل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار آماره t	سطح معنی دار (Sig)
	اقتصاد کشور						
۱۱	ناتوانی در تولید ملی	۶۶	۵/۶۴	۲/۶۴۱	۰/۳۲۵	۳/۴۹۶	۰/۰۰۱
۱۲	تقسیم ناعادلانه فرصت‌های مدیریتی و سهم نابرابر مناطق مرزی کشور	۶۶	۵/۴۱	۳/۱۳۸	۰/۳۸۶	۲/۳۵۴	۰/۰۲۲
۱۳	عدم بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های موجود در مناطق مرزی کشور	۶۶	۵/۳۳	۲/۱۸۶	۰/۲۶۹	۳/۰۹۷	۰/۰۰۳
۱۴	بازارهای گسترده داخلی و منطقه‌ای	۶۶	۵/۲۹	۲/۹۷۰	۰/۳۶۶	۲/۱۵۵	۰/۰۳۵
۱۵	موقعیت ژئواکونومیک ایران	۶۶	۶/۴۲	۲/۳۰۸	۰/۲۸۴	۶/۷۷۴	۰/۰۰۰
۱۶	وجود جاذبه‌های توریستی، رونق و توسعه صنعت گردشگری	۶۶	۵/۲۰	۲/۷۰۲	۰/۳۳۳	۲/۰۹۶	۰/۰۴۰
۱۷	ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در ایران	۶۶	۵/۵۳	۲/۲۶۲	۰/۲۷۸	۳/۷۰۱	۰/۰۰۰
۱۸	تحریم‌های اقتصادی	۶۶	۵/۲۴	۲/۷۵۷	۰/۳۳۹	۲/۱۸۸	۰/۰۳۲
۱۹	افزایش فقر و ناامیدی در مناطق مرزی کشور	۶۶	۵/۱۷	۲/۴۳۴	۰/۳۰۰	۲/۲۲۵	۰/۰۳۰
۲۰	توسعه نامتوازن و شکاف بالای اقتصادی در کشور	۶۶	۵/۴۵	۳/۰۷۹	۰/۳۷۹	۲/۵۱۸	۰/۰۱۴

با توجه به سطوح معنی‌داری به‌دست‌آمده از آزمون t تک‌نمونه‌ای می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان، عوامل ذکر شده از سوی پاسخ‌دهندگان اثر معنی‌داری بر همگرایی اقوام ایرانی دارند.

اولویت‌بندی عوامل مختلف اقتصادی از نظر میزان تأثیر بر همگرایی اقوام ایرانی

به‌منظور مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی و اولویت‌بندی این عوامل، از روش تحلیل واریانس فریدمن استفاده شد که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی یکسان است. H_0 :
 حداقل یکی از این عوامل، دارای تأثیر بیشتری در این زمینه است. H_1 :

جدول شماره ۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی

سطح معنی دار (Sig)	درجه آزادی	مقدار آماره خی دو	تعداد نمونه	مقایسه تأثیر عوامل مختلف اقتصادی
۰/۰۰۰	۱۹	۶۸/۲۳۵	۶۶	

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون فریدمن ($Sig = 0/009$) که کوچک تر از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) است، فرض صفر (H_0) رد می شود که براساس میانگین های به دست آمده می توان عوامل مختلف اقتصادی را از نظر میزان تأثیر آن ها بر همگرایی اقوام ایرانی، به صورت جدول زیر اولویت بندی نمود.

جدول شماره ۴: اولویت بندی عوامل مختلف اقتصادی از نظر میزان تأثیر آن ها بر همگرایی اقوام ایرانی، با توجه به میانگین های به دست آمده

اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱	سند چشم انداز بیست ساله و سیاست های کلان آن	۶/۹۸
۲	موقعیت ژئواکونومیک ایران	۶/۴۲
۳	توسعه نیافتگی زیرساخت های اقتصاد نوین و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور	۵/۷۷
۴	نا توانی در تولید ملی	۵/۶۴
۵	سلطه و تصدی گری دولت بر اقتصاد کشور	۵/۵۸
۶	ظرفیت های سرمایه گذاری در بخش های مختلف در ایران	۵/۵۳
۷	توسعه نامتوازن و شکاف بالای اقتصادی در کشور	۵/۴۵
۸	تقسیم ناعادلانه فرصت های مدیریتی و سهم نابرابر مناطق مرزی کشور	۵/۴۱
۹	عدم وجود امنیت سرمایه گذاری در کشور	۵/۳۸
۱۰	تمرکز مراکز صنعتی و تولیدی و زیرساخت های عمده اقتصادی در برخی استان ها	۵/۳۶
۱۱	وجود ذخایر بالای انرژی و منابع طبیعی	۵/۳۵
۱۲	عدم بهره گیری از توان و ظرفیت های موجود در مناطق محروم و مرزی کشور	۵/۳۳



اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱۳	عدم وجود ثبات اقتصادی و مهار شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، نرخ بهره‌وری پایین و....	۵/۳۰
۱۴	بازارهای گسترده داخلی و منطقه‌ای	۵/۲۹
۱۵	فعال‌سازی سیاست‌های کلان اصل ۴۴ و تصویب قانون آن	۵/۲۹
۱۶	تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تصویب قانون آن	۵/۲۶
۱۷	تحریم‌های اقتصادی	۵/۲۴
۱۸	وجود جاذبه‌های توریستی، رونق و توسعه صنعت گردشگری	۵/۲۰
۱۹	افزایش فقر و ناامیدی در مناطق مرزی کشور	۵/۱۷
۲۰	وسعت سرزمینی و تنوع اقلیمی و جغرافیایی ایران	۵/۱۴

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان عوامل «سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلان آن»، «موقعیت ژئوگرافیک ایران»، «توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های اقتصاد نوین و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور»، «ناتوانی در تولید ملی»، «سلطه و تصدی‌گری دولت بر اقتصاد کشور»، «ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در ایران» و «توسعه نامتوازن و شکاف بالای اقتصادی در کشور» به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر همگرایی اقوام ایرانی داشته‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مجموع، همگرایی ملی یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های حیات کشورهاست که موجب تداوم بقای یک کشور می‌شود. از این منظر، در کشور ایران به علت وجود تنوعات فرهنگی، می‌بایست سیاست‌گذاری صحیح و مدیریت سیاسی کارآمد و عقلانی اجرا شود. از این جهت، شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌ها و مؤلفه‌های اثرگذار بر افزایش همگرایی و انسجام ملی، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در طراحی و ترسیم الگوی مدیریتی اداره اقوام در کشور دارد. همچنین، مجموعه‌ای از عوامل در این فرایند تأثیرگذارند و آنچه امروز ما به آن نیاز داریم، چگونگی اعمال این عوامل براساس اصول علمی در سیاست‌های کلان قومی است. به همین سبب، توجه به اولویت‌بندی‌ها، پرهیز از نگرش تک‌علی و روزآمدی عوامل نقش بسزایی در ارتقای همبستگی و همگرایی ملی دارد؛ لذا جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از این عوامل و ظرفیت‌ها می‌تواند زمینه‌های کاربردی تنوعات فرهنگی کشور را در جهت تقویت و تداوم همبستگی و همگرایی

ملی فراهم نماید. در این پژوهش، نشان داده شد که عوامل شناسایی شده مرتبط با سطح همگرایی اقوام ایرانی در مؤلفه اقتصادی مؤثر است و اولویت‌بندی‌های آنان نیز مشخص شد؛ بنابراین، با توجه به نتیجه آماری، براساس متغیرهای مؤثر در سطح همگرایی اقوام ایرانی و همچنین، جهت ارتقای سطح همگرایی اقوام یادشده با دولت براساس آرای خبرگان، راهکارهای ذیل بسیار می‌تواند راهگشا باشد:

- ۱- بهره‌گیری صحیح و استفاده بهینه از ظرفیت‌های اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز بیست‌ساله.
 - ۲- افزایش زمینه‌های رضایتمندی و آسایش، کاهش فقر و محرومیت در مناطق مرزی؛
 - ۳- تقسیم عادلانه‌ی فرصت‌های مدیریتی، کاهش اختلاف شاخص‌های رفاه بین استان‌های مناطق قوم‌نشین نسبت به استان‌های برخوردار.
 - ۴- توزیع عادلانه بودجه و امکانات در مناطق مرزی.
- در مجموع، با توجه به مباحث بیان‌شده، به‌کارگیری نیروهای مستعد، شایسته و ولایتمدار و تکیه بر اصول و آموزه‌های اسلامی می‌تواند تحت مدیریت کارآمد و سلسله‌مراتبی هم‌افزا و منسجم برای حوزه مسائل قومی و هم‌افزایی وحدت و همگرایی ملی در جمهوری اسلامی ایران راهبردی مطلوب باشد.

منابع

- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱). «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز». *فصلنامه مطالعات ملی*. سال چهارم. شماره ۱۳: ۱۴۳-۱۰۹.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*. تهران: نشر نی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت*. تهران: نشر نی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸). «اقوام ایرانی و امنیت پایدار»، *مجموعه مقالات برگزیده‌ی اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار*. ارومیه: فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی (دفتر تحقیقات کاربردی).
- احمدی، محمدحسین؛ الوند، مریم (۱۳۹۱). «نقش قوم‌گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی»، *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*. سال چهارم. شماره دوم: ۱۸۲-۱۵۹.
- اخوان مفرد، حمیدرضا؛ هندیانی، عبدالله؛ زینال‌نژاد، حسن (۱۳۸۷). «بررسی راه‌های همگرایی قومیتی با تأکید بر اقوام ترک و کرد در شهرستان ماکو». *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی*: ۴۱۵-۳۹۹.
- اسمیت، دی آنتونی (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی تاریخ*. ترجمه منصور انصاری. تهران: نشر تمدن ایرانی.
- افضل‌ی، رسول؛ ضرغامی، برزین (۱۳۸۸). «تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*. سال دوم. شماره ۷۰: ۹۰-۷۷.

- امراهزاده، محمد (۱۳۸۸). «بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های برون‌مرزی قومی بر امنیت و ثبات سیاسی مناطق مرزی ایران»، ویژه‌نامه همایش امنیت پایدار. فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی: دفتر تحقیقات کاربردی.
- باقری‌نیا، حدیث؛ کشاورز شکری، عباس؛ مرشدی‌زاد، علی (۱۴۰۲). بررسی الزامات سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عصر جهانی‌شدن، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۲ (۴): ۳۵-۲۰.
- باقری، معصومه؛ نواح، عبدالرضا؛ شجاعی برجویی، حدیث (۱۴۰۱). «الگوسازی ساختاری عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بر همگرایی بین‌قومی در شهر اهواز». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۱۱. شماره ۳ (۳۸): ۶۶-۳۹.
- بهرامیان، شفیق؛ بهرامیان، امید (۱۳۹۱). «بررسی رابطه‌ی بین همگرایی اقوام (ترک و کرد) و احساس امنیت پایدار و شناخت عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام در استان آذربایجان غربی». فصلنامه سیاست‌نظری. دوره جدید. شماره ۱۱: ۱۵۹-۱۳۱.
- ترابی، یوسف؛ مجیدی، یوسفعلی (۱۳۹۳). «مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی. سال سوم. شماره ۱۱: ۲۹-۹.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۹). «درآمدی بر مدیریت سیاسی اقوام و اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی». طرح پژوهشی. در: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد مسلسل ۱۰۲۷۲: ۳۴-۱.
- جعفری، محمد (۱۳۹۸). «تأثیر توسعه متوازن بر همگرایی ملی در مناطق مرزی». فصلنامه مطالعات ملی. ۲۰ (۸۰): ۴۹-۲۵.
- جلیلود، داود (۱۳۸۸). «بررسی علل و زمینه‌های بروز بحران‌های قومی در استان آذربایجان غربی و تأثیر آن بر امنیت». ویژه‌نامه همایش امنیت پایدار. فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی: دفتر تحقیقات کاربردی.
- جهانی، داریوش؛ عزتی، عزت‌الله؛ نامی، محمدحسن (۱۳۹۶). «میزان تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی مردم استان‌های کردنشین ایران». فصلنامه مطالعات ملی. ۱۸ (۶۹): ۶۷-۵۳.
- جوادی ارجمندی، محمدجعفر؛ حق‌گو، جواد؛ عظیم‌زاده، جعفر (۱۳۹۲). «حوزه تمدنی ایران، جهانی‌شدن و آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه». فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام. سال دوم. شماره اول: ۶۰-۲۹.
- جوکار، کیوان؛ بخشایشی اردستانی، احمد؛ باقری، فردین؛ الله‌کرم، عبدالحسین (۱۴۰۰). «بررسی وضعیت واگرایی و همگرایی اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور (مناطق کردنشین و بلوچ‌نشین)». توسعه پایدار محیط جغرافیایی. دوره ۳. شماره ۵: ۱۲۷-۱۴۴.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی. تهران: پژوهشکده تحقیقات.
- خرازی آذر؛ زهرا، مظفری؛ افسانه؛ بهرامیان، شفیق (۱۳۹۵). «تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی بر همگرایی بین قومی در ایران». فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات. سال هفدهم. شماره ۳۴: ۱۰۱-۶۹.
- دشتی، فرزانه؛ عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر در ارتقای همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی‌شدن». پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۸ (۲۹): ۱۶۶-۱۳۹.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: نشر کیهان.
- سعدآبادی، علی‌اصغر؛ پورعزت، علی‌اصغر؛ عباسی، طیبه (۱۳۹۲). «شناسایی مؤلفه‌های همبستگی ملی در اقوام ایرانی». فصلنامه راهبرد دفاعی. سال یازدهم. شماره ۴۲: ۱۹۸-۱۷۳.

- سلیمی، حسین (۱۳۸۴). *نظریه‌های مختلف جهانی‌شدن*. تهران: سمت.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۵). «قومیت از منظر سیاست‌های هویت». *فصلنامه دانش سیاسی*. شماره سوم: ۱۶۵-۱۴۳.
- شکوری، علی (۱۳۸۹). «آموزش و جهانی‌شدن». *فصلنامه برگ فرهنگ*. دوره جدید. شماره ۲۱: ۶۳-۷۶.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۶). «شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی». *پژوهشکده مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام*. تهران: شماره ۸.
- صدقی، محمدباقر؛ هاشمی‌نسب، سید سعید؛ دشتی، محمدنقی؛ مهدی، ایمانی مقدم (۱۴۰۰). «واکاوی راهبردی مسئله واگرایی قومی در ایران؛ محرومیت نسبی عامل واگرایی قومی»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. سال سیزدهم شماره ۳. پیاپی ۵۱: ۳۳۳-۳۵۱.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۵). «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت قومی و ملی بین دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه‌های تهران». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. سال چهارم. شماره ۱۶. شماره پیاپی ۴۶. بهار.
- عزیزی، ناصر (۱۳۹۹). «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر همگرایی قومی در شهرستان ارومیه». *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*. سال سیزدهم. شماره ۴۸: ۱-۲۴.
- عسگری، محمود؛ معینی، محمدحسین؛ آقاجانی، احمد (۱۳۹۹). «ژئوپلیتیک قومیت‌ها در تحولات ژئوپلیتیکی همگرایی و واگرایی غرب آسیا با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*. ۴ (۲): ۲۷-۶۴.
- غزایاق زندی، داوود (۱۳۸۲). «احزاب و قوم‌گرایی». *فصلنامه راهبرد*. سال هشتم. شماره ۲۹: ۱۸۲-۱۶۷.
- فرهنگ، مهناز؛ سعیدی مدنی، سید محسن؛ سهندی خلیفه‌کندی، مهناز (۱۳۹۴). «مطالعه‌ی تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کردی (مورد مطالعه: شهرهای سنندج و تبریز)». *فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*. دوره ششم. شماره ۱: ۹۵-۱۲۲.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱). «درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال پنجم. شماره اول: ۱۳۴-۱۲۳.
- قیصری، نوراله (۱۳۸۶). «تنوع فرهنگی و وحدت ملی در ایران: الزامات نظری و رهیافتی». *پژوهشکده مرکز تحقیقات استراتژیک*. شماره ۸: ۵۱-۸۴.
- کوهن، آوین استانفورد (۱۳۸۱). «تئوری‌های انقلاب». ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر قومس.
- گر، رابرت تد (۱۳۸۰). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لطیفی، غلامرضا؛ داوودندی، طاهره (۱۳۸۹). «تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه اجتماعی با تأکید بر شرایط اجتماعی ایران». *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. دوره اول. شماره ۳: ۱۷۹-۲۰۲.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۸). «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز». *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*. سال بیستم. شماره ۳۳: ۴۵-۷۰.
- مطلبی، مسعود؛ نادری، محمدمهدی؛ آبی، محمود (۱۴۰۱). «تحلیل اثرگذاری سیاست‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران بر فرایند همگرایی اقوام استان گلستان»، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. سال پنجم. شماره نهم، آذر: ۱۴۳۸-۱۴۲۰.
- میلر، دیوید (۱۳۸۳). *ملیت*. ترجمه داود غزایاق‌زندی. تهران: تمدن ایرانی.
- نهاوندیان، محمد (۱۳۸۶). *ما و جهانی‌شدن*. تهران: مؤسسه ملی مطالعات جهانی‌شدن.
- یوردشاهیان، اسماعیل (۱۳۸۰). *تبارشناسی قومی و حیات ملی*. تهران: انتشارات فرزانه‌روز.
- Anderson, B. (1991) *Imagined communities: Reflections on the origins and spread of*



nationalism. London: Verso.

- Aguwa, Jude C. (1997); "Religious Conflict in Nigeria: impact on Nation Building". *Dialectical Anthropology*, Vol 22: 335-351.
- Krüger, Fred W (1998); "Identity building and social transformation: the cases of Namibia and Botswana compared", *GeoJournal*, Vol 46: 79-87.
- Meuleman, B., Abts, K., Schmidt, P., Pettigrew, T.F., and Davidov, E. (2020); "Economic conditions group relative deprivation and ethnic threat perceptions: a cross-national perspective", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 46 (3), 593-611.
- Scott, Richard W. Gerald F. Davis (2007); *Organizations and Organizing: Rational, Natural and Open system Perspectives*. New York, Prentice Hall.
- Weber, Max (1996); *The Origin of Ethnic Group Ethnicity*, Edited by John Hachinson and Anthony D. Smith, Oxford: Oxford University Press.